

«شما بگویید من چکار کنم!»

مظفر محمدی

پزشکیان رییس جمهور نظام در جلسه ای با اطرافیانش گفت: «من کاری نمی توانم بکنم و نمیدانم، شما بگویید ما چکار کنیم؟»

سوال خوبی است و جواب هم روشن است. تو پزشکیان که خامنه ای زیر بغلت را گرفت و مثل مترسک سر مزرعه ای گذاشت به نام جامعه که نه آب دارد نه برق، نه مسکن، نه نان و گوشت و میوه ی سفره ی ۶۰ میلیون انسان زیر خط فقر. جامعه ای که به زمین سوخته تبدیل شده و منابع و معادن زیر زمین و روی زمینش ملاحظه شده است. جامعه ای که نفت و گاز و صنایع و واردات و صادراتش بین سران بیت و سپاه و بسیج و اختلاسگران و مفسدین تقسیم شده است. کشاورزی به خاک سیاه نشسته است.

تو، پزشکیان و تیم دولت این ها را میدانستید. اما به دلیل مدالی که به نام رییس جمهوری به سینه ات زده اند از اول کارت تا امروز به یک چیز وفادار مانده اید: «هر چه مقام معظم رهبری بگوید من انجام میدهم». خوب از مقام معظم بپرس چکار کنی؟ چرا توپ را به زمین مردم میاندازی! ما می فهمیم که مخاطب شما آن چند نفری که کنارتان است، نیست. مخاطب شما جامعه ایران است.

جواب ما و جامعه ایران به سوال شما این است، کنار بروید. اما این فقط راه نجات تو است و برای جامعه بود و نبود به اعتراف خودت هم پیشیزی نمی آرزد. پس نه تنها تو بلکه کل حاکمیتتان از بالا تا پایین قدرت را به مردم واگذار کنید. مردمی که کار تولید و خدمات و بهداشت و آموزش و کشاورزی را برعهده دارند، صلاحیت اداره مملکتشان را دارند. مملکتی که زیر چکمه های شاه و شیخ کمرش خم شده است.

تا زمانی که ثروت و قدرت دست خامنه ای و بیت و سپاه و بنگاه های عظیم مالی و بانک ها و مافیای اقتصادی سازمانیافته و فساد نهادینه باشد جامعه قابل سر پا ایستادن نخواهد بود.

میگویید چکار کنیم؟ کنار بروید و تمام قدرت و تمام ثروت را به نمایندگان واقعی شوراهای کارگران و مردم بسپارید. میدانم این کار را نخواهید کرد. شما و نظام تان تا آخرین رمق و آخرین قطره خون انسان های این جامعه از قدرت و ثروتتان دفاع می کنید. ... صفحه ۳

- کارگران جهان متحد شوید! -

اعلامیه ۳ حزب کمونیست کارگری منطقه

سیاستهای در حال زوال و جهانی در حال خروش (اسرائیل، مردم فلسطین و شیادی دولتهای غربی)

حدود ۲۲ ماه از نسل کشی همه جانبه مردم فلسطین توسط دولت فاشیست اسرائیل میگذرد، ۲۲ ماهی که بشریت علاوه بر اشغال و کوچ دادن مردم فلسطین، شاهد یکی از هولناکترین قتل عام های تاریخ بشر علیه چند میلیون انسان بودند که از زمین و هوا، با ترور و تحمیل گرسنگی و تشنگی، با بمباران و ویرانی شهر و روستا، کودکان و مدرسه، بیمارستان و هر چه آثار تمدن بشر و امکانات زیست و نابودی جمعی خود مواجه شدند. ۲۲ ماهی که غزه قتلگاه و قصابخانه بود و کودکان بیشترین قربانیان آن. ... صفحه ۲

فراخوان نتنیاهو و رضا پهلوی؛ «اهانت به مردم ایران»

مظفر محمدی

بعد از تهاجم اسرائیل به ایران و جنگ ۱۲ روزه، نتنیاهو و رضا پهلوی در فراخوان های متعدد خواستار شورش و عصیان مردم علیه جمهوری اسلامی شده اند. نتنیاهو میگوید در حمله اش به ایران به اهداف خود نرسیده است. فراخوان به مردم که به خیابان بیابید قرار است به این هدف برآورده نشده ی نتنیاهو کمک کند. نتنیاهو فراخوان به مردم ایران را دنبال و بخشی از تهاجم نظامی خود میداند و میخواهد مردم ایران را به نفع جنگ خود و اهدافش به میدان بکشد. ... صفحه ۲

مرگ «احمد روزچنگ» پدرخوانده مافیای «ایستک» در مریوان

مصطفی اسدپور

احمد روزچنگ نام مریوان را در نقشه جهانی فساد در ردیف شهرهای سیسیل، ژنو، پاناما ثبت کرد. پرونده او، درست همانگونه که رسم «پدرخوانده ها» است ناگفته های زیادی را با خود به گور برد. نام یکی دو جین از مقامات دولتی، رده های بالای سیستم قضایی و لشکری و کشوری به روزنامه ها کشیده شد. تا دلتان بخواهد داستان از چمدانهای دلار، کیسه های طلا، لوکس و ثروت در هم تنیده با فساد و باندهای بازی سر زبانها است.

«احه نجار» نام خود را بر پیشانی مریوان، پایتخت کلپوتوکراسی (حکومت دزدسالاری) ایران و منطقه کوبید. انواع روایت از سرگذشت نجار ناقلای گرد که با نوشابه ایستک، از فروش آب دریاچه زریبار و شکر آمد و با کامیونهای اسکناس دلار بازگشت، مردی که سر رفسنجانی، احمدی نژاد و روحانی رئیس بانک مرکزی و وزیر اقتصاد را شیوه مالید و از آنها دلار دوشید تا مدتهای مدید سر زبانها تمام نشدنی بنظر میرسد. در پرونده قضایی «ایستک» دو حکم اعدام برای پسران خانواده لغو شد تا نبوغ دهاتی دو کولر دروازه «باشماق» در کنترل نبض سیاسی - اقتصادی شهر شکوفا شود. ورق را برگردانیم. ... صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری

این بربریت که روی هیتملر و نازی‌های آلمان را هزار بار سفید کرده است، اگر ابتدا بی‌شرمانه "جنگ با حماس" و "دفاع از خود اسرائیل" نام گذاری شده بود، اکنون تصویب سیاست اشغال کامل تمامی سرزمینهای باقی مانده فلسطین، از نوار غزه تا بخش باختری، و پاکسازی قومی مردم فلسطین، توسط دولت و مجلس اسرائیل، کمترین توهّم و شبهه نسبت به سیاستهای فاشیستی و ضد بشری دولت اسرائیل را حتی در میان عقب مانده ترین بخشهای جامعه بشری از بین برده است. نقشه ای که ۷۷ سال است با کشتار و آوارگی مردم فلسطین و اشغال مناطق بیشتر و الحاق آنان به اسرائیل دنبال میشود و امروز به عنوان قدمهای اولیه در راه نقشه "خاورمیانه جدید" با محوریت اسرائیل، پیش میرود. نقشه و سیاستی که علاوه بر مردم فلسطین، مردم لبنان و سوریه، با نابودی زندگی و کشتار جمعی توسط مپهای اسرائیل، بهای تحقق آنرا میپردازند. نقشه ای که حمله به ایران و گسترش جنگ به خاورمیانه و منطقه بخشی از تبعات آن است.

اسرائیل در تاریخ مملو از جنایاتش همواره چون بازوی مسلح غرب و با اتکا به میلیتاریسم دول غربی، به رهبری دولت آمریکا، بدون هیچ محدودیتی، بدون پایبندی به هیچ قانون و موازین توافق شده بین المللی، به عنوان جنگ طلب ترین دولت عمل کرده و از حمایت همه جانبه این دولتها برخوردار بوده و مردم فلسطین همواره اولین قربانیان جنایاتش بوده اند. دولت اسرائیل در کنار حمایت ارتجاع جهانی و منطقه ای، طی این ۲۲ ماه جنایت با موانع جدی برای تحقق نقشه های شوم خود روبرو شده است. موانع اصلی جنبشی است که از روز اول حمله به نوار غزه پا پیش گذاشت و طی این ۲۲ ماه، پا به پای افزایش قتل عامل و کشتار مردم فلسطین، جهانی و قویتر شده است و اسرائیل و حامیان او را با چالشهای بزرگی روبرو کرده است. جنبش دفاع از مردم فلسطین اکنون به دریچه ای برای دیدن تصویر بزرگتر از جهانی تبدیل شده است که سیستم کاپیتالیستی را با فقر و محرومیت، راسیسم و نژاد پرستی، جنگ و میلیتاریسم، کشتار و جنایت و ترورسیم دولتی، بی حقوقی، سلب آزادی های فردی، مدنی، اجتماعی و سیاسی با دیکتاتوری خشن و شنیع آن زیر نام دمکراسی، لخت و عریان در مقابل بشریت متمدن قرار داده است. دفاع از مردم فلسطین در این تصویر و برای این جنبش گوشه ای از نه گفتن به توحش این نظام و دفاع از دستاوردهای طبقه کارگر و بشریت انسان دوست و صلح طلب، در مقابل تعرض این سیستم به رهبری غرب است.

دولت اسرائیل در هیچ دوره ای از حیات خود به اندازه امروز مورد نفرت عمیق توده های میلیونی مردم در جهان قرار نگرفته و منزوی، ضعیف و بی آینده نبوده است. دست و پا زدنهای امروز دولت اسرائیل و تلاش همه جانبه آن برای گسترش جنگ در منطقه و کشاندن پای آمریکا و شرکای غربی او به این میدان، تلاشی برای ترمیم موقعیت شکننده و ضعیف او است. ابعاد دهشتناک توحش بی انتهای اسرائیل برای بقا، در جهانی که بشریت متمدن علیه آن بسیج شده است، دولتهای حامی اسرائیل را زیر منگنه و فشار وادار کرده است تا با پرچم اعتراض به "زیاده روی" های هیئت حاکمه اسرائیل، در برلین، لندن، پاریس، روم و... آفتابی شوند و تلاش کنند سیمای خشن، ارتجاعی خود و نقش شان در نسل کشی و پاکسازی قومی مردم فلسطین را زیر فرش کنند. آنها وادار شده اند با لفاظی های مضمّن کننده «مخالفت» خود با این درجه از توحش را اعلام کنند تا جایگاه و موقعیت از دست داده خود را بازیابند و بقای خود را از تعرض و خشم پایین جامعه محفوظ نگهدارند. اقدامات اخیر این دولتها و تبلیغات بی مایه آنها در «برسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین»، هر چند نتیجه فشار این جنبش جهانی و دستاورد آن است، اما و همزمان اوج ریاکاری، بی شرمی بی انتهای این دولتها، از انگلستان و آلمان تا فرانسه و استرالیا و... را به اثبات میرساند.

دولتهایی که هنوز هم حامیان اصلی اسرائیل اند، دولتهایی که کمکهای تسلیحاتی، مالی، جاسوسی، دیپلماتیک، سیاسی و تبلیغاتی خود را حتی یک روز از اسرائیل قطع نکرده اند، امروز بیشرمانه اعلام میکنند در صورت ادامه جنایت دولت اسرائیل، در اجلاس آتی سازمان ملل در ماه سپتامبر دولت مستقل فلسطین را به رسمت خواهند شناخت. تبلیغات توخالی که همزمان از آن برای «ابراز وجود و قدرت» در مقابل آمریکا استفاده میکنند. این تهدیدات پوچ، بیشرمانه و مضمّنزکننده، در دنیای واقعی کمترین

تاثیری بر زندگی امروز مردم فلسطین و آینده آنان ندارد. لفاظی های دول غربی و وعده های پوچ برای برسمیت شناختن دولت مستقل فلسطین، در شرایطی که همگی در کل این تاریخ و تا امروز حامی و شریک اسرائیل در جنایاتش بوده اند، انزجار آور و توهین به شعور مردم متمدن جهان است. برای جنبش دفاع از مردم فلسطین بسیاری از رهبران و سیاستمداران این کشورها، همراه رهبران اسرائیل باید در دادگاههای مردمی به جرم نسل کشی و جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. همزمان طیف وسیعتری از دولتها، از جمله چین، روسیه، برزیل، ترکیه و کشورهای عربی، که همگی سنگ «دفاع از مردم فلسطین» را به سینه میزنند، نیز هنوز روابط سیاسی و اقتصادی خود با اسرائیل را حتی مورد سوال قرار نداده اند. دولتهایی که کشتار مردم فلسطین دستمایه امتیازگیری های سیاسی و اقتصادی خود در رقابتهای منطقه ای یا جهانی قرار میدهند، نقش آنان در این جنایت را کمتر نمیکند.

بشریت متمدن و انساندوست مدتهاست از دول حاکم بر جهان و نهادهای بین المللی آن سلب مشروعیت کرده و به این واقعیت که جنبش جهانی حمایت از مردم فلسطین تنها نقطه امید پایان دادن به این جنایت و سلاخی است، پی برده اند و دست به اقدام مستقل زده است. جنبش جهانی که هر روز ابعاد وسیعتری به خود میگیرد و با صدای رساتری علیه این توحش و علیه دولتهای حامی اسرائیل به میدان می آید. طبقه کارگر در بسیاری از کشورها خصوصا در بخش بنادر و حمل و نقل، دست به عمل مستقیم برای ممانعت از ارسال تسلیحات به اسرائیل زده اند، خواست پایان کشتار و جنایت، پایان گرسنگی دادن به مردم غزه، قطع روابط اقتصادی و دیپلماتیک با اسرائیل، قطع کمک و همکاری دولتهای غربی با اسرائیل و خواست بایکوت اسرائیل هر روز با قدرت بیشتری طنین انداز میشود.

پیروزی این جنبش پیشروی بزرگی برای طبقه کارگر و بشریت انسان دوست در سراسر جهان در جنگ خود علیه سیستم کاپیتالیستی حاکم خواهد بود. این فقط اسرائیل و روسای جنایتکار آن نیستند که زیر فشار این جنبش آینده شان تاریک تر میشود، این کل سیستم و نظام جهانی حاکم با همه قطبهای آن است که زیر پای این جنبش ستون فقراتش میریزد و پودر میشود. این کل باورها، ارزشها و جهان سیاهی که این نظام برای بشریت ساخته است، زیر سوال میرود. این جنبش انسانی امروز در دفاع از مردم فلسطین و فردا برای پایان جنگ و میلیتاریسم پا پیش میگذارد و در هر قدم و هر پیروزی خود زوال کل این سیستم را نوید میدهد.

حزب کمونیست کارگری عراق
حزب کمونیست کارگری کردستان
حزب حکمیتست (خط رسمی)

۲۲ مرداد ۱۴۰۴ - ۱۳ اوت ۲۰۲۵

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی در دسترسی به ابزارهای ارتقا و شکفتن استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

توده ای ۹۶ و ۹۸ و جنبش آزادی زن و از اعتراضات اجتماعی که همین امروز علیه فقر و فلاکت و گرسنگی و بی آبی و بی برقی در جریان است، زخمی هستید. شما تیر خلاص دختران جوان و نوجوان و زنان آزادیخواه و برابری طلب بر پیکر کثیف حجاب اجباریشان را دیدید. جامعه بیشتر از این تحمل زخم های بیشتری بر بدن زندگی تباه شده ی خود ندارد. زخم های کشتار جمعی دهه شصت تان هنوز در جان و روان ما خونریزی می کند. ما چیزی برای از دست دادن نداریم. ولی با پایین کشیدن شما از قدرت به زور اتحاد و تشکیلات و سازمان و رهبری و نقشه ی روشن و خلع ید شما از ثروت، همه چیز را به دست می آوریم. ما انوقت جامعه مان را انطور که میخوایم میسازیم و اداره می کنیم.

خیلی بدیهی است که جمهوری اسلامی قدرت و ثروت را داوطلبانه واگذار نمی کند. باید قدرت و ثروت را از شما بزور گرفت. انوقت تو پزشکیمان و خدمه و حشمه نظامی و سیاسی و مذهبی تان جواب سوالتان را از ما میگیرید. انوقت مشاهده خواهید کرد که به حاکمیت اقلیتی بر اکثریت جامعه خاتمه داده می شود. خواهید دید نمایندگان کنگره شوراهای مردم نه تاجی بر سر دارند و نه عمامه و عیابی بر دوش تا مردم را بفریبند. این نمایندگان منتخب از میان کارگران صنایع بزرگ و کوچک، کارگران معادن، کارگران لکوموتیو ران و اتوبوسران، کارگران خدمات شهری، زنان برابری طلب، جوانان انقلابی و آزادیخواه و بخشی از نمایندگان شوراهای پرستاران، فرهنگیان، بازنشستگان... خواهند بود.

نمایندگانی که حقوق برابر یک کارگر دارند. یعنی من کارگر معدن منتخب کنگره شوراهای همان حقوقی را میگیرم که هنگام کار در معدن داشتم. نمایندگانی که قابل عزل و نصب در هر زمانی هستند که شوراهای پایین اراده کنند. این نحوه اداره جامعه ای است که قدرت و ثروت دست کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان و فرهنگیان و بازنشستگانش است. در چنین جامعه ای آثاری از فساد و دزدی و اختلاس و سرکوب نظام های نوع شما باقی نخواهد ماند. وقتی تمام ثروت و داراییهای مملکت دست صاحبان واقعی اش باشد، صرف رفاه و مسکن و بهداشت و آموزش رایگان و امنیت و سعادت جامعه می شود. در چنین نظام برابری، انسانی و سوسیالیستی، نیازی به ارتش حرفه ای، پلیس مخفی، زندان و اعدام نخواهد بود.

ما جامعه ای میسازیم که که از فقر و گرسنگی مینالد. جامعه ای که سکانش در دست صاحبان واقعی می افتد. دست تولید کنندگان و سازمان دهندگان تولید، آموزش، بهداشت، درمان، خدمات شهری... می افتد. وقتی جامعه دست خود مردم باشد و آقابالا سر و قیام و وکیل و وصی نداشته باشد، یعنی جامعه سالمی خواهیم داشت. جامعه ای عاری از فقر و بی مسکنی و بی دارویی و در رفاه و خوشبختی و آزادی و حفظ حرمت انسان. جامعه ای برابر برای همه ی انسان ها صرفنظر از ملیت و قوم و نژاد و زبان و دین... ادامه در صفحه آخر

بنا بر این سوال شما جواب واقعی دیگری دارد. جواب این است، طبقه کارگر ایران، زحمتکشان حاشیه شهرها، زنان نصف جامعه، جوانان تحصیلکرده و بیکار و بدون افق، فرهنگیان گرسنه، بازنشستگان اسیر فقر و نداری، پرستارانی که دسته دسته از فشار کار و روحی روانی و فقر خودکشی می کنند، باید آماده شوند شما و کل نظام تان را از قدرت و ثروت خلع ید کنند. راه دیگری وجود ندارد. برای آزادی و نفس کشیدن هوایی آزاد، برای اندازه ای از رفاه و اندازه ای خوشبختی و برای این که بیماران ما از بیماریهای کاملاً قابل علاج نمیرند، سالمندان ما که اکثراً کارگران بیکار و حقوق بگیران بازنشسته هستند سال های آخر عمرشان بدون دغدغه ی نان و آب و برقی و دارو و در آسایش و آرامش زندگی کنند... برای همه ی این حداقل ها چاره ای نیست جز این که این جامعه، نظام پلید و تبهکار شما را بزیر بکشید. راه واقعی این است شما نباشید. کل نظام تان نباشد.

روشن است نه تو پزشکیمان و دولت کارتنی ات استعفا می کنی، نه کثافات مجلس تان خودبخود از صحنه جامعه پاک می شود، نه سرداران سپاه و ارتش تان تفنگ زمین میگذارند. شما تا آخرین قطره خون ما را نمکید کنار می روید. شما برای حفظ خودتان حاضرید کرور کرور ما را به گلوله ببندید، زندان و شکنجه کنید.

ما متوهم نیستیم و می دانیم که درگیر یک جنگ نابرابر با نظام شما هستیم. شما تا دندان مسلح اید و پشت سنگرهای قدرت و ثروت و توپ و مسلسل هایتان علیه ما مردم ایستاده اید.

شما زندگی و رفاه و خوشبختی و حرمت انسانی و زندگی کردن را از ما گرفته اید. شما از ما رمقی باقی نگذاشته اید. شما میخواید بهر قیمت پانید. جنگ ما با شما به شدت نابرابر و ناعادلانه است. جیب های ما خالی است. سفره های ما خالی است. دست های ما خالی است. و شما جیب هایتان و سفره هایتان و دست هایتان پر است. این را ما می فهمیم.

اما، این را هم میدانیم که شما اقلیتی مفتخور، مفسد، بی شرف و بی وجدان هستید. اقلیتی ترسو که پشت چند لشکر سپاهیان و نیروی انتظامی و لباس شخصی ها و ارتش و زندان و شکنجه و طناب دار علیه ما سنگر گرفته اید. شما اقلیتی ترسو هستید که تنها با اسلحه می توانید از قدرت و ثروت و گاو صندوق ها و کاخ هایتان را که همه ی داراییهای مملکت را تصاحب کردید، دفاع کنید. شما که صاحب قدرت و تمام ثروت جامعه هستید خیلی چیزها برای از دست دادن دارید. ولی ما اکثریت عظیم بینوایانی هستیم که چیزی برای از دست دادن نداریم. شما هر گونه تشکیلات و سازمان توده ای کارگری و دانشجویی و فرهنگی و زنان را قدغن کرده اید. شما از اتحاد و تشکیلات و رهبران جامعه به شدت می ترسید. وحشت نظام شما در این است که می فهمید، طبقه کارگر و جامعه ی آزادیخواه و انساندوست چاره ای ندارند و خود را در تشکلات توده ای کارگری و مردمی، در مجامع عمومی کارگری و شوراهای مردمی سازمان میدهند. شما از اعتصابات کارگری ولو جدا جدا و پراکنده، از خیزش های

فراخوان نتنیاهو و رضا پهلوی...

اما حمله نظامی اسرائیل با مخالفت و انزجار مردم ایران مواجه شد. این تهاجم که قرار بود جمهوری اسلامی را تضعیف کند، در مقابل شرایطی فراهم کرد و بهانه ای به جمهوری اسلامی داد تا جامعه را بیش از پیش میلیتاریزه و سرکوب های خود را تشدید کند و گسترش دهد. مبارزان جنایتکارانه ی تهران و دیگر مناطق ایران جان بالغ بر یکهزار انسان را گرفت. آوار ویرانی ها بر سر مردم فروریخته و هزاران خانواده، بی مسکن و آواره شدند. اعتراضات کارگری و اجتماعی به عقب رانده شدند چرا که زندگی مردم مختل و زنده ماندن به اولویت اول جامعه تبدیل شد.

بنا بر این ادعای تضعیف جمهوری اسلامی در مقابل مردم با حمله نظامی اسرائیل، پوچ و فریبکارانه است. جمهوری اسلامی تهاجمی تر و حتی طلبکارانه تر علیه مردم وارد میدان شده است. تهاجم رژیم نسل کش اسرائیل و امریکا به ایران در واقع به کمک رژیم آمد تا با درندگی بیشتر و عربان تر به سرکوب جامعه بپردازد.

پاسخ قطعی جامعه ی ما به اسرائیل و امریکا، نه تنها پایان یافتن تهدیدات جنگی، بلکه منع هر گونه دخالت خارجی در تحولات اجتماعی ایران است. سرنگونی جمهوری اسلامی تنها و تنها برعهده مردم ایران است. کارگران و زحمتکشان ایران هیچ نفعی در جنگ و ایجاد فضای جنگی و میلیتاریسم ندارند. دخالت های خارجی تا کنونی مثل تحریم ها و حملات نظامی دول خارجی، سرنگونی جمهوری اسلامی را به تعویق می اندازد. توقع این که در میانه جنگ و آتش و خون مردم بپاخیزند، شرورانه و ضد انسانی است.

فراخوان ابلهانه و خنده دار رضا پهلوی هم قرار است به اهداف نتنیاهو کمک کند. نتنیاهو کلاه بوقی «رهبری» و «بدر ملت» را سر آقا رضا گذاشته و او را در سیرک جنایتکارانه اش به بازی گرفته است.

فراخوان رضا پهلوی اهانت به جنبش های طبقاتی و اجتماعی در ایران است. جنبش هایی که منتظر هیچ شخص و جریان مافوق مردم نیستند و میخوانند

سر پای خود و مستقل از رهبران خودخوانده ی شبیه رضا پهلوی و مریم رجوی با برنامه و نقشه خود، هم معیشت امروزشان را از گلولی جمهوری اسلامی بیرون بکشند و هم برای سرنگونی این بختک سیاه بر جامعه بپا میخیزند. کلاه بوقی رهبری بر سر رضا پهلوی برای طبقه کارگر و زحمتکشان و زنان و جوانان انقلابی ایران خنده دار است.

پیام و فراخوان ما به جامعه این است که جنبش های طبقه کارگر و زنان و جوانان در ایران راه مستقل خود و با اتکا به اتحاد و تشکل و رهبران عملی خود را می روند. سرنوشته آینده ایران را استبداد سلطنتی به گورستان تاریخ سپرده شده و الگوی مجاهدینی و لیبرال ها و پرچم دروغین دموکراسی خواهان و سیاست تفرقه اندازی قوم پرستان تعیین نمی کنند. آینده در دست ما است. تاریخ خود را خود می نویسیم. قوانین اداره جامعه را خود می نویسیم. ادعای رهبری و پدرخواندگی و رییس جمهوری خودخوانده و الگوهای تشکیل قدرت و دولت مافوق مردم برای ما مردود است. تغییر و تحول جامعه ایران را طبقه کارگر چند ده میلیونی، زنان برابری طلب و جوانان آزادیخواه رقم می زنند.

ما بر طبقه کارگر و حزب کمونیستی و مجامع عمومی و شوراهایش برای رهبری جنبش سرنگونی متکی هستیم. ما متوجهیم که از نظر تاریخی هم محتمل است که استبداد تحت فشار انفجارهای ناگهانی سرنگون شود. ما کمونیست های طبقه کارگر و حزب سیاسی و شوراهایش و زحمتکشان و زنان و جوانان خواهان آزادی و رفاه و خوشبختی، از هر گونه ماجراجویی پرهیز می کنیم. ما برنامه عمل خود را بر مبنای پیشبینی انفجارها پایه گذاری می کنیم. ما راه خود را در پیش میگیریم، فعالیت و تلاش منظم خود را انجام میدهم و کم تر بر حوادث غیرمترقبه حساب می کنیم. در همان حال ما هشیار خواهیم بود که توسط تغییرات تاریخی غافلگیر نشویم.

زنده باد انقلاب

آزادی، برابری، حکومت کارگری

رابین هود کوردواری

در پرونده روزچنگ یک گلوله شلیک نشد. گاو صندوقی منفجر نگشت. از دستگاه های چاپ پول تقلبی خبری نیست... از احمد روزچنگ و پسران بعنوان رابین هود کردستان نام برده میشود. اما از بخت بد مردم زحمتکش کردستان این رابین هود قلابی است. «مدرن» است. پسا دو خردادی است. بوی جمهور و اسلام را بخود گرفته است. کاپیتالیستی است... و همه ششم و پیله عرضه و زیرکی او یک جا میریزد... آقا جان، ایشان خیر و کارآفرین تشریف داشته اند!

آب زیر کاه میروانی باید ببخشند که در میان رده مقامات، فقط استاندار کردستان در مراسم «یدار مردمی» درست همانگونه که رسم پدرخوانده ها است، با لقب «افتخار مردم استان کردستان» و الگوی سرمایه دار کورده، خیر و شایسته، به دلداری بازماندگان داغدار احمد روزچنگ شتافت.

«جهود جادوگر» میروان

از ماکیاولی اعجوبه کشف ابعاد پنهانی روح پلید انسان دو پا تا جناب «جی. جی. سنتوری» و موشکافی اقتصاد عصر معاصر ایشان، همگی به گور هفت جد و آباد خود خندیده اند؛ همگی در کشف ابعاد فساد، از زوال فضیلت تا فساد سفید و خاکستری تا سیاه؛ در شناخت فساد رسمی و قانونی در همه هنجار و قراردادهای اجتماعی در نمونه ایران به زانو درآمده اند.

رژم دار و دسته «احه نجار» و توزیع کیسه های برنج و روغن در محلات میروان، و همزمان نیشهای تا بناگوش باز مقامات در ضیافت های اعیاد مذهبی، بخودی خود فاقد هرگونه ارزش پولی واقعی قابل ذکر است، گزارشات اینترنتی از محلات در سپاسگزاری از «سختاوت» سرمایه دار خلقی، تحقیر بساط حکومتی درمانده از تامین نان خشک و خالی در سفره ها است که بازار پدرخوانده را گرم میکند. اما هنوز مساله اصلی جای دیگر است. «گدا گرسنه ها» را فراموش کنید، از فرط تعداد و از فرط دامنه احتیاجات، شکم اینها را کسی نمیتواند سیر کند، قرار هم نیست روی طلبکاری این جماعت زیاد شود، مدتهاست که در مقابل بیزینس پردرآمد امور خیریه و ابعاد تقلب در گزارشات مالی برای دست یابی به تخفیف های مالیاتی و پول شویی در این رشته، داد دستگاه های دولتی را در آورده است. تاسیس یک بنگاه خیریه بسیارتر سود آورتر از یک مجتمع فولاد یا خودرو سازی است. «روزچنگ» آقا جان یک «مرد بیزینس» است، بیزینس او برای هر کس نعمت باشد، برای کارگر یک سم، از همان قماش سود و سرمایه است و باید قبل از آنکه دیر شود، از «مار» و از «ریسمان» این خاندان اجتناب کند.

سر و ته شهر میروان بزحمت دو میلیون دلار میارزد. بپرسیم پس آن سوراخ دای طلایی چیست که از احمد نجار یک «جهود جادوگر» و در کنار ابواب جمعی دستگاه حکومتی، از دو عضو پای چوبه دار خانواده «روزچنگ» بخش پیشگام طبقه سرمایه دار نوین خطه ایران زمین را ساخته است؟ بدون دخالت «حرامزاده های» روزچنگ هرگز دریاچه میروان لایروبی نمیشد، حفره های آسفالته محور سندنجد میروان آسفالت نمیشد، از دستگاه دیالیز کلیه در بیمارستان شهر خبری نبود... حدس بزنید چند سال آرزو هر یک از پروژه های فوق دستمابه لفاظی کبشمشک های شهری و استانداری و کشوری بوده است؟ حدس بزنید مگر در مقایسه با انواع رشوه و کاغذبازی و دزدی، چند پروژه از این لیست سالها قبل به رسم آدمیزاد بدون خون دل و قرطاس بازی و ترکمون به اجرا در آمده بود، چقدر مقرون به صرفه و چقدر شرافتمندانه میبود؟

کنج قارون در میروان!

«روزچنگ» میروان را در چنگ خود دارد. درآمد او را نه کسی میداند و نه کسی میتواند سر در بیاورد. اما همه میدانند که پول شویی و «سوراخهای» بودجه عمومی است که او را ثروتمند نگاه داشته و ثروتمندتر میسازد. دخالت این خانواده در سیاست و در نتایج انتخاب و انتصابها سر و صدای نئونکسروایتست های تازه به دوران رسیده را هم در میآورد. نگاهها کنجکاو جستجوگران کنج قارون به میروان دوخته شده است، از ما بشنوید، اگر باد از همین سوراخ ادامه یاب، میروان «مرد» خود را به استانداری کردستان میفرستد و طولی نخواهد کشید سکان بورس و پاستور را یکجا بدست بگیرند...

کسی باید باشد که بپرسد چقدر و چه کسانی موضوع دریافت کمکهای سختاوت سرمایه دار محترم شده اند؟ «زوال فضیلت» در جهنم دره شهر فسقلی میروان یا حتی استان کردستان هر چقدر باشد، زیاد سخت نیست که تشخیص داد این مقامات و صاحب منصبان هستند که امروز در عزای «خیر» خود نشسته اند. مگر چند سال میشود زیر علم «خیر» به نان و نوا رسید، به موقعیت خود ادامه داد، و هنوز هم وجود فقر و بینوایی را در حوزه ماموریت خود تداوم بخشید؟

کارآفرینی، زوال فضیلت در ایران

کمدی فساد در ایران در مقوله کار آفرینی است که به اوج خود میرسد. زمانی در گذشته های دور که عقل بشر از چرخش خورشید به دور کره زمین فراتر نمیرفت، «کار» از جانب پروردگار از آستین کارفرما برای شخص کارگر به منظور ترحم نسبت به بندگان فلکزده اهدا میشد تا تکه نانی را در سفره خانواده او قرار دهد. عمر این پروردگار و این کارفرما و منطق و اندیشه پشت آن، خیلی زود در دست مبارزات کارگری مهار شد. کسی نیست بپرسد، هیاهو بر سر «کار آفرین» مرحوم برای چیست؟ مگر «ایستک» چقدر فروش دارد، چند نفر کارگر را تحت پوشش قرار میدهد؟ بپرسد مگر ایستک، میروان و کل استان مربوطه کدام جهنم دره است؛ مگر از دستمزد شاغلین، مگر از بیکاری صدها برابر بیشتر از تعداد کارگران شاغل، چه چیزی عاید دستگاه دولتی میشود که از دو رئیس جمهور، دادستان، وزرا و روسای بانک مرکزی به کدام نان و نوا رسیده اند که باد در غیب «کار آفرین» محبوب شان انداخته اند و از شراکت در پرونده کلاه بردار میروانی هم هنوز دو قورت و نیم کاردانی طلب دارند؟

در آن مملکت کفتارهای سرمایه از زنده و مرده کارگر، از اشتغال و بیکاری او پول بیرون میکشند، اقتصادشان بر پایه کار ارزان و بی حقوقی کارگر استوار است، که تازه از فقر و استیصال و درماندگی کارگر دله دزدی از دستمزدها و بیمه و دسترسی به دارو و خدمات شهری و آموزش و پرورش را سازمان دهند. هنر روزچنگ و شهره او در استفاده از او نعمت «کار آفرینی» و همه سوبسیدها و خدمات دولتی که مرز یک کارگر مجانی را پشت سرمیگذارد نیست؛ او دزدی از بیمه کارگر را عار میدانند، بیمه کارگری در آن جهنم دره مگر چقدر است؟ مگر این بیمه چقدر از فرسودگی و مخاطرات یک کارگر را میپوشاند؟ گیرم قاموس پست دولتی حاکم از وزارت کار و خانه کارگر و تا تشکلهای رسمی کارگری را به یک قاب دستمال هرزگی و چاپلوسی در خدمت کارفرمای فرومایه تبدیل ساخته است که فقط دست روی دست بگذارد؛ اما در این میان روزچنگ، فرقی نمیکند از سر ششم سود برای سرمایه و یا از سر نفس ساده انسانی شهرتی «عالمگیر» به هم زد... آقا جان ایشان کارگران خود را بیمه کرده است!

پول

مارکس زمانی در منطق سرمایه داری از رمز و راز پدیده «پول» پرده برداشت. مارکس بر یک پدیده ذاتی سرمایه انگشت گذاشت؛ پول یک کالا است. پول، پول نمیزاید. آنچه در گردش پول تعیین پیدا میکند ارزش کار کارگر است. این ارزش در دستمزدهای انتهای فقر و بهره کشی و در یک کلام کار ارزان است که در چرخش خونین و کثیف خود در دست منطق «کارگر خاموش» در برابر دید همگانی در دست سودجوی سرمایه رذالت میافزیند.

کسی در زیر زمین ویلا یا آپارتمانهای لوکس مورد «رابین هود» میروان در جستجوی قهرمان عدالت، دنبال سر نخ دلارهای گمشده نیست. در داستان رابین هود این مردم زحمتکش و دهقانان فقیر هستند که دور قهرمان حلقه زده اند و همیشه در حق شناسی آنچه دریافت میدارند، در کنار قهرمان خود باید شمشیر بزنند و فداکاری کنند. در میروان عدالت و سختاوت رابین هود نسبی است و کار و فداکاری ستمدیدگان «نقد!» مورد میروان، قربانیان زد و بست های فاسد را باید کماکان در صف نان، در جستجوی جانگناه کار، دست فروشی، دستمزدها و اضافه کاریها و همه جا یافت. در زندگی واقعی مردم زحمتکش جایی برای مایشات پوچ و معرکه گیری اینستاگرامی نیست. طبقه کارگر با اولین قدمهای حق طلبانه خود نه پول، بلکه مستقیماً نعمات که خود خالق آنست را هدف قرار خواهد داد و بدون واسطه از حلقوم ستمگران بیرون خواهد کشید. کارگران مسکن، رفاه، تندرستی و آسایش را از اختیار فساد و جنایت حاکم در اختیار خواهند گرفت و به کنترل در خواهند آورد؛ پول در بیان و در توجیه فقر و محرومیت، در بیان سهم بهره گیری از نعمات، در توجیه امتیازات اقلیت مفت خور جامعه به گور سپرده میشود. در این مسیر جایی برای کاپیتالیسم بشردوستانه وجود ندارد.

بازگشت به نجار ناقلای کرد

رمز و راز ویژه ای در آوازه میروان، احمد و دلارهایش نیست. در سیطره توحش اسلامی سرمایه در ایران، شانس به او اصابت کرد تا از شبکه مقتدر سود و سرمایه در ایران سهمی را عاید خود سازد. شاید مهمترین هنر دلال میروان درست همانگونه که رسم پدرخوانده ها است، در تشخیص بزننگاه «فرار» در بهترین زمان ممکن باشد. حلوا و خرما و دعای خیر دلها پاک میروان همه آن تحفه گرانبهایی است که پدرخوانده نجار با خود به آسمان نیکوکاری به ارمغان میبرد.

زنده باد انقلاب کارگری!

نينا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeena

فیسبوک

facebook.com/radioneena

hekmatist.com

تماس با حزب

@Hekmatistx

دبیر خانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: آذر مدرسی

شما بگویید من چکار کنم...

جامعه ای که به اقلیت مفتخور و دزد و فاسد و استثمارگر سرمایه دار و اکثریت محروم و بیحقوق و ستمکش تقسیم نمی شود...

جامعه ای که دولتی ندارد مثل تو، پزشک‌هایی که از تامین آب و برق و نان مردم عاجزید، اما برای دنیا خط و نشان می کشید و تهدید می کنید. جامعه ای که مردمانش از دیوار سفارتخانه ها بالا نمی روند. جامعه ای که با هیچ کشوری سر جنگ و خصومت ندارد. نظام شما تنها جامعه ما را ویران و به زمین سوخته تبدیل نکرده، بلکه نکبت نظام شما دامن لبنان، فلسطین، سوریه، عراق، یمن ... را هم گرفته است. نظام شما داراییهای ما را صرف ساخت موشک و برنامه اتمی و زرادخانه نظامی کرده تا فقط هارت و پورت کند و ما را بترساند که گویا این کارها برای امنیت کشور انجام شده است. جامعه ای که ۴۶ سال است یک روز هم امنیت نداشته است. صدها هزار فرزندان ما را در جنگ عراق به کشتن دادید. خانواده هایشان را بدون سرپرست کردید و ده ها هزار زخمی و ناقص العضو ... روی دست جامعه گذاشتید. شما و نیروهای نظامی و امنیتی و دستگاه قضایی و اطلاعاتی تان دسته دسته ما را کشتار جمعی کردید. هر روز و هفته و ماه طناب دارتان برای گردن ما آویزان است.

جمهوری اسلامی شما در ابعاد بین المللی و منطقه ای بخشی از بحران و جنگ و سیاست تبهکارانه ای است که در راسش امریکا و اسرائیل و همپالگهایشان قرار دارند. اگر جامعه دست ما بود، تهران مثل همه پایتخت های کشورهای دنیا از کانادا و استرالیا تا اروپا و خود اسرائیل زیر پای میلیون های انسان برای دفاع از مردم غزه و علیه نسل کشی اسرائیل می لرزید. آن وقت تهران محرک و مشوق اعتراضات میلیونی کشورهای خاورمیانه و خلیج می بود که آن ها در اسارت سیاست های حکام پلیدشان هستند. نکبت شما جز شعار تو خالی نصیب مردم غزه نکرد. شما هیچ غلطی نکردید. مردم فلسطین بدون جمهوری اسلامی بارشان سبک تر بود. چیزی به نام جهاد اسلامی وجود نداشت. مردم فلسطین بیشتر از نیم قرن است علیه صهیونیست های اشغالگر می جنگد. مردم ستمدیده ی فلسطین زمانی که فقط با سنگ در مقابل نظامیان اشغالگر میجنگید قدرتمند تر از امروز بود که نظام پلید شما بعنوان حامی دروغینش فقط به پروباگانند و فریبکاری مشغول است.

جامعه ایران و ده ها میلیون کارگر و زن و جوان راه دیگری جز بزیر کشیدن نظام تبهکار شما ندارد. بلی، تو پزشک‌هایی اگر ذره ای از معرفت و انسانیت بهره برده باشید، جواب ما به سوالتان را باید گرفته باشید. زبان ما را، اهداف ما را، آینده ی مملکت را بدون نظام جمهوری اسلامی باید فهمیده باشید. ولی دریغ از یک جو شرف!

البته تو، پزشک‌هایی هنوز هم اگر استعفا کنید و مدال زنگ زده ی ریاست جمهوری را کنار بگذارید، خیلی بهتر است بروید مثل یک پزشک شرافتمند حتی جان یک بیمار را نجات دهید. خوب میدانید که تو امروز یک ابزار بیخاصیت در خدمت بیت رهبری و سرداران سپاه و نهادهایشان که تا خرخره غرق در ناز و نعمت اند، هستید. قطع شدن آب و برق، تنها گوشه کوچکی از تخریب عظیم جامعه ما است که دستمزد نازل کارگر، حقوق ناچیز پرستار و فرهنگی و بازنشسته، تورم ۴۰ درصدی و گرانی سرسام آور، بی مسکنی و سفره های خالی مردم، تخریب محیط زیست، هوای ناسالم... را به جامعه ما تحمیل کرده است.

نظام جمهوری اسلامی شما تا خرخره غرق در فساد، بحران، هرج و مرج و مجمع الجزایری از مراکز قدرت گوناگون و مافیای ویرانگر است. تو برو، این جواب سوال شما است. تو برو و پاسخ جامعه ی ما را به «مقام معظم رهبری» ات هم بگو. بگو که ما چه می‌خواهیم و چه می کنیم. جامعه ای که توانست نظام دیکتاتوری تبهکار شاه با بزرگ ترین ارتش خاورمیانه را به زیر بکشد و به تاریخ ننگین چند هزار ساله سلطان های یال و کوپالدار خط بطلان بکشد، خواهد توانست نظام پلید دین و سرمایه به نام جمهوری اسلامی را هم به زیاده دانی تاریخ بسپرد.

آقای پزشک‌هایی! شما و نظام پلیدتان در این نیم صده امتحانتان را پس دادید. ما تا امروز تاوان فقر و گرسنگی و ناامنی جانی و روانی و کشتار جمعی و تحمیل تبعیض جنسیتی و اهانت به زن نصف انسان های جامعه.. را پرداختیم. با کنار رفتن بختک نظام جهنمی جمهوری اسلامی، بشریت و انسانیت و کل جامعه شکوفا می شود. این را جامعه آزاد و برابر و سوسیالیستی بر ویرانه های نظام تبهکار شما، تضمین می کند!